

# بررسی آثار سیاستگذاری دولت بر کاهش تخریب منابع طبیعی

علی خزاعی

چکیده

جنگلها و مراتع کشور؛ با داشتن حداقل ۵۲۰۰ میلیارد ریال چوب سرپا و ۷۵۰۰-۷۸۰۰ گونه گیاهی از جمله گیاهان دارویی و صنعتی است که در این حوزه تنها صادرات ریشه و عصاره شیرین بیان در برنامه اول به ۲۹ میلیون دلار رسیده است، از طرفی تأمین علوفه ۹۰ درصد دام کشور به مدت ۶ تا ۹ ماه و به میزان ۵/۵ میلیون تن TDN، حفظ آب و خاک، مبارزه با آلودگی هوا و تأمین مواد سوختی اهمیت فراوانی در اقتصاد کشور دارد. اما روند رو به افزایش سیل در سه دهه اخیر بیانگر تخریب هر چه بیشتر منابع طبیعی است به طوری که از ۲۲۸ مورد در دهه ۴۰ به ۳۴۹ مورد در دهه ۵۰ و ۴۰۱ مورد در دهه ۶۰ رسیده است و نشان می‌دهد که دولت می‌بایست سیاستهای جدیدی در جهت حفظ منابع طبیعی اتخاذ می‌کرد. در این راستا مهمترین سیاستها شامل طرح واگذاری مراتع، تعاونیهای جنگلداری، طرح خروج دام از جنگل و طرحهای آبخیزداری است. روند گسترش این طرحها نمود خاصی پیدا کرده به طوری که با ایجاد ۱۸ تعاونی جنگلداری با وسعت ۱۱۰ هزار هکتار، خروج ۷۶ هزار واحد دامی و آزادسازی ۱۳۸

هزار هکتار از جنگلها، واگذاری ۱۴۱ میلیون هکتار مرتع و گسترش سریع طرحهای آبخیزداری با استفاده از مشارکت مردم و یا تشکیل تعاونیهای آبخیزداری تا حدی از تخریب منابع طبیعی در بخشهای اجرا شده کاسته است.

## اهمیت جنگل، مرتع و آبخیزداری در اقتصاد کشور

### الف. جنگل و مرتع

منابع طبیعی، عرصه جنگلها، مراتع، بیابانها و جانوران وحشی و هماهنگ کننده و سازمان دهنده تعادل آب و خاک است. بنابراین منابع طبیعی بستر حیات و فعالیتهای جامعه محسوب می شود و آبادی و ویرانی آن به معنای شکوفایی یا زوال جوامع، بخصوص جوامع گذشته و یا جوامع کشورهایی است که به بخش کشاورزی تکیه دارند. منابع طبیعی در جنگلها، تولیدکننده چوب و محصولات فرعی و علوفه است و در مراتع، تولیدکننده علوفه و محصولات فرعی است و هر دوی آن حافظ آب و خاک و محیط زیست است. برای آشنایی بیشتر به بررسی هر یک می پردازیم:

### سرمایه موجود

از نظر میزان سرمایه، تنها جنگلهای تجارقی بیش از ۲۶۰ میلیون متر مکعب موجودی سرپا دارد که ارزش چوب سرپای آن از قرار هر متر مکعب ۲۰ هزار ریال به ۵۲۰۰ میلیارد ریال می رسد و این سرمایه زیادی است که نیاز به توجه بیشتر دارد و در صورت احیای جنگلهای شمال غرب و جنوب و استفاده کامل از تمام تولیدات جنگلی در دراز مدت به درآمد سالانه ای معادل ۲۸۰ میلیارد ریال خواهد رسید و چنین درآمد مستمری می تواند نقش بسزایی در جایگزینی درآمدهای نفتی داشته باشد. (۱)

### گیاهان صنعتی

ایران از نظر عوارض طبیعی، اقلیم و پوشش گیاهی بسیار متغیر و متفاوت است. به

طوری که از نظر ارتفاع از ۲۴- تا ۵۶۷۸+ متر از سطح دریا و از نظر دما از ۵۰+ تا ۳۰- درجه سانتیگراد و میزان بارندگی از ۵۶ میلیمتر تا ۱۹۵۱ میلیمتر تغییر می‌کند. (۲) این تفاوت‌های آب و هوایی به تنوع پوشش گیاهی منجر شده به طوری که در حدود ۷۵۰۰ تا ۷۸۰۰ گونه گیاهی در کشور وجود دارد و این گیاهان به طور تقریب ۱۱۱۰ جنس و نزدیک به ۱۵۰ خانواده است (۳) که نشاندهنده رقم بسیار بالای خانواده‌های گیاهی در ایران نسبت به سطح جهان است. از مهمترین گیاهان معروف مراتع درمنه، گون، قیان، خارشتر، شیرین بیان، اسفناج وحشی، گیاهان شور، جغجغه، اسفنج، اشکن، چکن، نی، گز و تاغ است. در بین گیاهان مرتعی دارویی، صنعتی و سمی وجود دارد که از آنها ۲۱۴ (۴) نوع محصول به دست می‌آید. مهمترین آنها که ارزش صادراتی دارد باریچه، آنغوزه، شیرین بیان، سقز، زوو است. در بین این محصولات ارزش صادراتی ریشه و عصاره شیرین بیان در برنامه اول به تنهایی به ۲ میلیارد ریال و یا ۲۹ میلیون دلار رسیده است. (۵) اما به دلیل نبودن آمار دقیق از میزان تولید این نوع محصولات نمی‌توان به ارزش واقعی محصولات فرعی مراتع پی برد، در بخش جنگل نیز درختان حداقل ۲۵ درصد (۶) مواد اولیه صنعت داروسازی را تأمین می‌کند.

#### تأمین علوفه دام

انواع دامها اغلب برای ۶ تا ۹ ماه از سال و یا در تمام طول سال در مراتع یا جنگلها می‌چرند، بنابراین قسمت بیشتر علوفه دامهای ایران از مراتع و جنگلها تأمین می‌شود به طوری که ۹۰ درصد از دامهای کشور با ۵/۵ میلیون تن TDN علوفه تولیدی در مراتع و جنگلها تغلیف می‌شوند. در صورت بهبود وضعیت مراتع، علوفه مجاز قابل برداشت به ۵ برابر یعنی ۲۷/۷ میلیون تن T.D.N می‌رسد که می‌تواند ۱۲۰ میلیون واحد دامی را تأمین کند که ۱/۷ برابر دامهای موجود کشور است. (۷)

#### حفظ آب و خاک

گیاهان، بوته‌ها و درختان نقش مؤثری در حفاظت خاک و نگهداری آب دارد زیرا با

کممک شاخ و برگ از سرعت باد می‌کاهد و یا ریشه خاک را حفظ می‌کند و مانع ایجاد فرسایش می‌شود. به طوری که هر جا پوشش گیاهی انبوه و یا جنگل وجود داشته باشد فرسایش خاک به وسیله آب و یا باد کمتر اتفاق می‌افتد و یا اتفاق نمی‌افتد و با بارندگیهای شدید از ایجاد سیلابها جلوگیری می‌کند و آبی که در صورت نبودن پوشش گیاهی به صورت سیلاب جاری می‌شود و ضمن شستن خاک، خسارات مالی و جانی به بار می‌آورد، در حالت پوشش گیاهی آن را به داخل زمین نفوذ می‌دهد و موجب افزایش سطح آبهای زیرزمینی و در نتیجه ایجاد چشمه سارها و رودهای دائمی می‌شود، در حالی که در مناطق خالی از گیاه، هرزآبهای سیل آسا چون مقاومتی را در برابر خود نمی‌بیند ذرات ریز و درشت خاک را حمل می‌کند و بتدریج در مسیر خود در پشت سدها و دریاچه‌ها رسوب می‌دهد و گاهی سبب طغیان رودخانه‌ها می‌شود. عرصه جنگلها و مراتع در اثر فعالیت جانوران و ریشه دواندن گیاهان و درختان به داخل آن دارای منفذهای زیادی است که قادر است مقدار زیادی آب در خود نفوذ دهد و ذخیره کند. میزان نفوذدهی آب برای جنگلهای پهن برگ در یک ساعت  $8/4$  لیتر و برای مراتع  $0/22$  لیتر است (۸). از طرفی وجود گیاهان موجب کاهش تبخیر در سطح زمینها بخصوص جنگلها می‌شود.

### مبارزه با آلودگی هوا

آلودگی هوا چه در مناطق شهری به علت دود کارخانه‌ها و یا سایر منابع آلوده‌کننده و چه در مناطق بیابانی در اثر حرکت و جابه‌جایی ماسه‌ها و گردوغبار به وسیله باد وجود دارد. درختان در جلوگیری و کاهش آلودگی هوا نقش اساسی دارند، به طوری که می‌تواند در هر هکتار جنگل تا ۶۸ تن گردوغبار را هر بار در خود رسوب دهد. (۹) این موضوع برای مناطق بیابانی و شهرهایی که مورد تهاجم شنهای روان قرار می‌گیرد دارای اهمیت است چون با ایجاد کمربند سبز می‌توان از ورود گردوغبار به داخل شهر جلوگیری کرد.

### تأمین مواد سوختی

در بیشتر موارد به علت استفاده از مواد سوختی مانند نفت، از بوته‌های مراتع استفاده

می‌شود. این امر اگرچه در گذشته که تمام سوخت روستاییان و بخشی از شهرها هیزم بوده بیشتر اهمیت داشت، اکنون هم قابل توجه است زیرا میزان مصرف هیزم سالانه واحدهای دامداری در داخل جنگلهای شمال طی سال ۱۳۶۶ در جمع ۲/۹ میلیون متر مکعب برآورد شده است. (۱۰)

## ب. آبخیزداری

آبخیزداری بیشتر از جنبه پیشگیری و حل ریشه‌ای عواملی که موجب تخریب آبخیزها می‌شود مورد توجه قرار گرفته است. این عوامل به صورت زیر آشکار می‌شود.

۱. با فرسوده شدن خاک یک منطقه، ذرات خاک از جایی به جایی منتقل می‌شود. در زمینهای کشاورزی خاک سطحی که حاصلخیزترین قسمت پوسته زمین است بر اثر فرسایش، حاصلخیزی خود را از دست می‌دهد و آبخیزداری از بروز چنین تغییراتی و در نتیجه آثار منفی حاصل از آن جلوگیری می‌کند.

۲. در مواقع بارندگی و آب شدن برفها، زمین قادر نیست مقدار قابل توجهی از این آبها را در خود نگه دارد، در نتیجه آبهای زیادی از سطح کوهها جاری می‌شود و پس از مدت کوتاهی تشکیل نهرها و رودهایی می‌دهد. اما بخش کمی از آن داخل سفره زیرزمینی می‌رود. با آبخیزداری می‌توان این آبهای سطحی به جریان افتاده را به سفره‌های زیرزمینی منتقل کرد.

۳. جاری شدن آبهای سطحی به صورت نهرها و رودها و بیشتر از همه سیلابها بخصوص در مناطقی که پوشش گیاهی کم است مانند مراتع فقیر موجب انتقال رسوبات به داخل سدها می‌شود که با انتقال سیلابها و آبهای سطحی موقتی به سفره‌های زیرزمینی می‌توان خسارات وارد به سدها را کاهش داد.

۴. با تخریب آبخیزها، آثار منفی مانند فرسایش خاک، وقوع سیل‌های مخرب، حرکت اراضی کشاورزی و مسکونی ایجاد می‌شود که از طریق آبخیزداری می‌توان آن را از بین برد.

## نگاهی به علل و عوامل تخریب جنگلها و مراتع

برای بررسی بهتر علل و عوامل تخریب مراتع و جنگلها باید میزان تخریب و آثار آن

مشخص شود. مقدار فرسایشی که طی ۷۰ سال گذشته در ایران اتفاق افتاده به وسعت فرسایش در ۷۰۰ سال گذشته و نیز مقدار فرسایش در ۷ سال گذشته برابر ۷۰ سال گذشته بوده است. این وسعت فرسایش باعث شده از کل بارندگی سالانه کشور تنها  $\frac{1}{5}$  آن وارد مدار تولید کشاورزی شود. آن هم با راندمان  $\frac{1}{3}$  بهره‌برداری، هر چه به میزان فرسایش افزوده شده بر تعداد سیلها نیز افزوده شده است به طوری که از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۰، ۲۰۲ مورد سیل مهم گزارش شده و در سالهای ۱۳۴۱ - ۲۲۸، ۵۰ مورد و در سالهای ۱۳۵۱ - ۳۴۹، ۶۰ مورد سیل مهم گزارش شده و در سالهای ۱۳۶۱ - ۴۰۱، ۷۰ مورد سیل مهم گزارش شده است که مخربترین آن در زمستان ۱۳۷۱ موجب تخریب و آسیب ۱۲۵۰۰ کیلومتر راه اصلی و فرعی، ۱۵۰۰ پل، ۱۶۰۰ رشته قنات، ۱۱۰۰ کیلومتر سیل بند و دیوار ساحلی و خاکی، ۳۰۰ کیلومتر شبکه فشارقوی، ۲۲۰ هزار رأس دام و خسارات دیگری شد که در جمع مبلغی برابر ۴۷۰ میلیارد ریال تخمین زده می‌شود. این خسارات که به ۴۷ شهرستان و ۷۰۰ روستا وارد شد، ۱۸۳ نفر کشته و ۲۲۴ مفقود به همراه داشته است. (۱۱)

افزایش تعداد سیلها و میزان تخریب آن ناشی از تخریب منابع طبیعی و از بین رفتن پوشش گیاهی زمین است به طوری که در طی ۳۰ سال گذشته جنگلهای شمال از ۱۸ میلیون هکتار به ۱۲ میلیون کاهش یافته که سالانه رقمی حدود ۲۰۰ هزار هکتار می‌شود. از این رقم ۴۵ هزار هکتار آن مربوط به جنگلهای شمال و ۱۵۰ هزار هکتار مربوط به سایر جنگلهاست. (۱۲) همچنین سالانه  $\frac{1}{5}$  درصد از سطح مراتع کاسته شده و یک درصد به سطح بیابانها افزوده می‌شود که رقمی برابر ۱۶۵۰ هزار هکتار در سال است. (۱۳) بنابراین هر سال سطح وسیعی از جنگلهای، مراتع و زمینهای کشاورزی را از دست می‌دهیم. در حالی که جمعیت کشور با روند فعلی تا سال ۱۳۹۰ به ۹۶ میلیون نفر خواهد رسید و اگر مصرف سرانه گوشت سفید و قرمز برای هر نفر از ۲۰ کیلوگرم در سال در نظر بگیریم به ۱۹۲۰ هزار تن از انواع گوشت نیاز خواهیم داشت. (۱۴) آیا تأمین علوفه مورد نیاز دام با چنین روندی امکانپذیر خواهد بود؟ مخصوصاً که از ۹۹ میلیون واحد دامی کشور ۶۰ میلیون از مراتع استفاده می‌کنند در حالی که مراتع با تولید ۱۰ میلیون تن علوفه می‌تواند تنها ۱۵ میلیون واحد دامی را تغذیه کند و در عمل ۴ برابر بیش از ظرفیت کل تولید

مراتع استفاده می‌شود. با وجود این بخشی از گوشت مصرفی کشور وارد می‌شود. (۱۵)

علل تخریب مراتع را می‌توان به سه بخش جدا تقسیم کرد، عوامل طبیعی، آثار دخالت مستقیم، و غیرمستقیم انسان بر مراتع که اگر این دو با هم تأثیرگذار باشد میزان تخریب بیشتر خواهد بود.

#### الف. عوامل طبیعی:

در بیشتر موارد شرایط طبیعی عامل اصلی خرابی مراتع است زیرا در شرایط طبیعی نامساعد، مراتع از لحاظ پوشش گیاهی فقیر و حساس می‌شود و در صورت چرای بی‌رویه از بین می‌رود برای مثال می‌توان وضع مراتع در مناطق مرطوب و مناطق بسیار خشک مانند مراتع گیلان را با کناره‌های بیابان لوت مقایسه کرد. عوامل طبیعی ممکن است از طریق کمبود و نامنظم بودن بارندگی، گرما و تبخیر شدید، اثر باد، جنس زمین و آب شور باشد. در کشور ما سطح وسیعی را مناطق خشک و بیابانی تشکیل می‌دهد که در برخی نقاط متوسط بارندگی سالانه حتی از ۵۰ میلیمتر تجاوز نمی‌کند و این مقدار هم به صورتی نامناسب توزیع می‌شود. به این معنی که ممکن است در مناطق ساها باران نیارد.

گرما و تبخیر از جمله عوامل طبیعی است که سطح وسیعی از مناطق خشک و مراتع واقع در نقاط پست را می‌پوشاند و مانع رشد و نمو بسیاری از گیاهان بخصوص در تابستان می‌شود. اثر باد نیز از جمله عوامل طبیعی است که در مناطق خشک از جمله مناطق شرقی و جنوب شرقی و بخصوص نواحی که تحت تأثیر بادهای ۱۲۰ روزه است، موجب از جا کندن خاک و جمع شدن آن در نقاط دیگر و شدت تبخیر می‌شود و از این طریق موجب از بین رفتن گیاهان یا جلوگیری از رشد آنها می‌شود.

از دیگر عوامل طبیعی جنس زمین و ترکیبات خاک و آب شور است. حدود ۱۵ درصد از سطح کشور را رسوبات تبخیری شور و گچی و دیگر سازنده‌های نامناسب می‌پوشاند که اغلب از لحاظ پوشش گیاهی فقیر و یا به کلی فاقد آن است و همچنین بیش از <sup>۲</sup> مساحت کشور را اراضی آهکی، شور و گچی تشکیل می‌دهد (۱۶) که در این زمینها فقط گیاهان مقاوم به آهک و شوری

رشد و نمو می‌کند.

### ب. آثار بهره‌برداری مستقیم انسان از مراتع

انسان به راههای مختلف موجب خرابی مراتع می‌شود از جمله تبدیل مراتع به زمینهای زراعتی که ممکن است آبی یا دیم باشد. مراتعی که به زیر کشت زراعت آبی می‌رود بیشتر در مناطق کوهستانی، دشتهای بین کوهی، کف دره‌ها و سینه کوهها مشاهده می‌شود و به عبارت دیگر در سطحهایی که زمین هوار است و آب به آنجا می‌رسد. مراتعی که به زیر کشت دیم می‌رود سطحش خیلی وسیعتر است به طوری که کمتر مراتعی را می‌توان یافت که بخشی از آن به زیر کشت غلات دیم نرفته باشد. از آنجایی که در این نوع کشت به زمین، آب و کود نمی‌دهند و زمین نیز حاصلخیزی چندانی ندارد، پس از چند سال بر اثر فرسایش یا سبز شدن علفهای هرز و خطرناک برای دام، محصول خوبی نمی‌دهد و در نتیجه رها شده و مردم بخش دیگری را به زیر کشت می‌برند.

### ج. تأثیر بهره‌برداری غیرمستقیم انسان در خرابی مراتع (چراندن دامها):

چرای بی‌رویه از طریق چرای بی‌موقع و چرای بیش از اندازه و موارد دیگر، باعث فقر پوشش گیاهی و خراب شدن وضع مراتع به صورتهای مختلف می‌شود.

#### چرای بی‌موقع

دامداران کوهستانی باید در بهار آن قدر صبر کنند تا علفهای کوتاه رشد کند، بعد مورد استفاده قرار دهند اما اغلب قبل از آنکه مراتع دارای پوشش گیاهی با رشد گیاهی بشود مورد چرا قرار می‌گیرد و این عمل باعث فقر و تخریب پوشش گیاهی مراتع می‌شود. زیرا از یک سو موجب ریشه کن شدن برخی از گیاهان کوچک و زیاد نشدن آنها می‌شود و از سوی دیگر دامها سطح وسیعی از مراتع را که گیاهان رشد کافی نکرده است خالی می‌کنند.



### چرای بیش از حد

تعداد دام بیش از ظرفیت در مرتع برای مدتی کوتاه و یا نگهداری طولانی دام در مرتع به پوشش گیاهی لطمه شدیدی وارد می‌کند و اگر دو مورد بالا با هم صورت گیرد منجر به نابودی گیاهان خوش خوراک مراتع می‌شود. چرای بیش از حد در حال حاضر یکی از علل اصلی و مهم تخریب مراتع است.

پیامد نامطلوب بهره‌برداری مستقیم انسان بر مراتع را می‌توان به صورت زیر خلاصه

کرد:

فقر شدن یا از بین رفتن پوشش گیاهی که یکی از مهمترین منابع غذایی دامهای کشور است، نابودی تدریجی گونه‌های مرغوب به سود گونه‌های نامرغوب گیاهی، زیاد شدن گونه‌های یکساله به زیان گونه‌های چند ساله و افزایش گیاهان خاردار و علفهای بد خوراک و غیر علفهای، چاق نشدن دامها، کاهش تولیدات دامی، کاهش و کوتاه شدن پوشش گیاهی که موجب تأثیر شدت باد بر روی خاک و گیاهان می‌شود، تغییرات و نوسانات زیاد درجه حرارت در سطح خاک، شدت یافتن تبخیر، تغییر گونه‌های خشک پسند مانند گیاهان خاردار به جای گونه‌های مرغوب گیاهی.

اگرچه موارد فوق علل تخریب مراتع است اما خود معلول علت‌های دیگر است که مهمترین آن نبودن سازمان و تشکیلات منسجم جهت اداره مراتع کشور، نبود انگیزه ایجاد مالکیت در اراضی ملی بوسیله کشاورزان و روستاییان و تبدیل مراتع به اراضی کشاورزی یا استفاده بیش از حد از آن است. در مورد جنگلها، علل تخریب به عوامل زیر خلاصه می‌شود:

در تعلیف دام درختان جوان هم در امان نیستند زیرا مقدار علوفه تولیدی در واحد سطح نسبت به تعداد دام کم است، بنابراین برای تعلیف، از سرشاخه‌های درختان نیز استفاده می‌کنند زیرا در مواقعی از فصل بهره‌برداری که علوفه کف جنگل خشک و ناچیز است دامها به درختان سبز میل بیشتری نشان می‌دهند و در زمان بارندگی به تغذیه برگهای درختان در مقایسه با پوشش سطحی زمین که بشدت خیس و مرطوب شده روی می‌آورند. تبدیل جنگلها به اراضی زراعی و باغی، تبدیل و تخریب جنگل به منظور استفاده مرتعی از عرصه جنگل، مصرف چوب

درختان به منظور سوخت.

### میزان تخریب مراتع و جنگلها

در مورد تخریب مراتع، مراتع روستایی در مقایسه با مراتع عشایری وسعت محدودتر و تعداد بهره‌بردار بیشتری دارد، به طوری که نتایج حاصل از تحقیق در ۱۵ روستای منطقه افزر شهرستان فیروزآباد ۵۷ نمونه نشان می‌دهد که انسان عامل اصلی تخریب و دام عامل بعدی تخریب‌اند. (۱۷) زیادی دام موجب تخریب مراتع می‌شود و این خود معلول زیادی تعداد دامداری و زیادی دامدار معلول مشاعی بودن مجوزهای بهره‌برداری از مراتع است. به عبارت دیگر نداشتن صاحب مشخص در مراتع عامل اصلی خرابیها و نبود سرمایه‌گذاری توسط روستاییان برای حفظ، احیا و توسعه است. از طرفی مشاعی بودن عامل اصلی سبقت در تخریب و نابودی سرمایه ملی است.

در مورد تخریب جنگلها، جنگلهای منطقه زاگرس بیشتر از منطقه شمال تخریب شده است. منطقه خلیج فارس و عمان تنها از طریق گسترش شنزارها مورد حمله قرار می‌گیرد. در حالی که در مناطق دیگر تخریب از طرف انسان است.

### بررسی تحولات طرحهای مهم منابع طبیعی انسانی و مطالعات فرسنگی

با توجه به اهمیت منابع طبیعی تجدید شونده و روند فزاینده رو به تخریب، سیاستهای درازمدت و مناسب از سوی دولت ضروری به نظر می‌رسید به همین منظور طرحهایی که تاریخچه تحولات برخی از آنها به دهه ۵۰ می‌رسید و بیشتر آنها قبل و بعد از انقلاب توسط وزارت کشاورزی اتخاذ و اجرا شده بود (بعد از تفکیک وظایف وزارتخانه‌های جهاد و کشاورزی) بوسیله وزارت جهادسازندگی ادامه یافت. آنچه در این طرحها اهمیت دارد و وجه مشترک آنهاست مشارکت مردم ساکن منطقه در اجرای طرحهای یاد شده است. به عبارت دیگر، براساس سیاستهای اتخاذ شده همان کسانی که پیش از این عامل تخریب منابع طبیعی بودند خود در قالب سیاستهای مناسب و با حفظ اشتغال و درآمد به حافظان آن تبدیل شدند. این

طرحها شامل واگذاری مراتع، تعاونیهای جنگلداری، ساماندهی خروج دام از جنگل و طرحهای آبخیزداری است که برای آشنایی بیشتر به چگونگی ایجاد و گسترش هر یک می پردازیم.

### طرح واگذاری مراتع

تا قبل از ملی شدن جنگلها و مراتع، این منابع در اختیار افراد بود به طوری که جنگلها با سند مالکیت به افرادی واگذار می شد و مراتع نیز در مالکیت ساکنان و اهالی هر منطقه بود. چنین مالکیتی از گذشته های دور با یک نظام خاص به وجود آمده بود اما پس از ملی شدن جنگلها و مراتع حس مالکیتی که از طرف استفاده کنندگان وجود داشت از بین رفت و آن اعتدالی که پیش از ملی شدن در استفاده از منابع می شد به استفاده بی رویه تبدیل گردید به طوری که بخشی از مراتع در طی اصلاحات ارضی تبدیل به اراضی گشت.

دولت برای استفاده بهینه از مراتع دست به صدور پروانه چرای دام زد تا از این طریق مشکلات ناشی از ملی شدن مراتع را از بین ببرد و به منظور استفاده بهینه از آن ضابطه ای ایجاد کند. هدف کلی از صدور پروانه چرا و تهیه طرحهای مرتعداری، واگذاری آن به بهره بردارانی بود که در جهت اصلاح، احیا و بهره برداری صحیح از مراتع بودند. برای این منظور اولین طرح مرتعداری در سال ۱۳۳۶ توسط دانشجویان رشته مرتع مدرسه عالی منابع طبیعی گرگان که در مرکز همد آبسرد تحصیل می کردند با همکاری کارشناسان سازمان ملل برای منطقه فیروزکوه در سطح ۲ هزار هکتار تهیه شد اما به مرحله اجرا در نیامد. اولین تجربه عملی در این زمینه مربوط به سالهای ۱۳۴۷ - ۵۴ بود که در برگیرنده دهها روستا می شد. از جمله این طرحها می توان طرح مرتعداری اوباتو در کردستان با ۸۶ هزار هکتار، زرنند ساوه ۱۹۱ هزار هکتار، کرمان ۲۵۰ هزار هکتار و طرح مرتعداری اردکان فارس در سطح ۵۰۰ هزار هکتار را نام برد (۱۸) اما از آن جایی که دولت در اجرای طرحها نقش عمده ای به عهده داشت، به عبارت دیگر بجزری طرحها واحدهای دولتی بودند و دامداران منطقه براساس مصوبات دولت حق بهره برداری از مراتع حوزه طرح در قالب شرکتهای سهامی دامداران داشتند، موجب شد تا سازمان جنگلها و مراتع کشور در اجرای این قبیل طرحها با مشکلات مالی و اجتماعی فراوانی روبه رو شود. تا سال ۱۳۵۴ این طرحها در

حالی تهیه می‌شد که قابلیت اجرایی نداشت زیرا طرحها بزرگ بود، به طوری که وسعت آن به ۸۰-۵۰۰ هزار هکتار می‌رسید و نمی‌شد گروهی را برای چنین وسعتی و ادار به اجرای یک طرح کرد، از طرفی چنین الگویی گرفته شده از کشورهای پیشرفته بود که در ایران قابلیت اجرایی نداشت زیرا مرتعدار به مرتع وابسته نبود. در سال ۱۳۵۵ با تغییر مدیریت طرحهای مرتعداری بزرگ به واحدهای بهره‌برداری کوچکتر و با مدت واگذاری ۱۵ سال به جای یک سال برای ایجاد انگیزه دامداران اجرا شد که در بعضی نقاط کشور با استقبال روبه‌رو و موجب شد (۱۹) تا اوایل ۱۳۵۷، ۲۹۰ فقره طرح مرتعداری بنا به تقاضای دامداران و با هزینه شخصی آنان تهیه شود (۲۰)، در سالهای ۱۳۵۸ - ۶۰ طرحهای مرتعداری متوقف ماند و طرحی تهیه نشد. در سالهای ۱۳۶۰ - ۶۲ دوباره طرحهای بزرگ به طور محدود مورد آزمایش قرار گرفت. از سال ۱۳۶۲ در پی بروز و تشدید اختلافات بین بهره‌برداران از مراتع و ضرورت رسیدگی به این اختلافات مسئله ممیزی مراتع و صدور پروانه‌های چرای دام جهت تعیین حقوق و محدوده بهره‌برداران از مراتع مورد توجه قرار گرفت (۲۱). همچنین در سال ۶۲ طرحهای مرتعداری کوچک دوباره مورد توجه قرار گرفت و اولین دستورالعمل ممیزی مراتع از سوی وزارت کشاورزی به سرچنگلداری کل کشور ابلاغ شد. اما این دستورالعمل نیز مشکلاتی داشت. در بند ۶ بخش اول در تعریف دامدار چنین آمده است: دامدار کسی است که پیشه اصلی‌اش دامداری باشد و به شغل دیگری غیر از فعالیتهای کشاورزی اشتغال نداشته باشد، بنابراین کسانی می‌توانستند پروانه چرا دریافت کنند که شغل دیگری نداشته باشند. اشکال دیگر مربوط به بند ۷ بخش دوم یا ترکیب هیئتهای ممیزی کننده مراتع بود که مرکب از نمایندگان انجمن جماعات، هیئت نفره و واگذاری زمین، جهادسازندگی، اداره کل کشاورزی، سرچنگلداری کل و مرکز عشایری ایران است (۲۲). پیامد دو اشکال فوق بدین صورت بود که نخست دامدار باید مرتعدار باشد که این خود به حفظ دام بیشتر از حفظ مرتع اهمیت می‌دهد بخصوص اگر مدت صدور پروانه چرا کوتاه باشد. به عبارت دیگر مرتعداری باعث بقا و در نتیجه دام می‌شود ولی دامدار فقط به فکر بهره‌برداری از مراتع است. اشکال دوم تعداد و ترکیب هیئت ممیزی بود که در طول سال چند نفر از آنها عوض می‌شدند، از طرفی تعداد زیاد اعضا نیز خود موجب اختلاف نظر بیشتری می‌شد و

نتیجه آن در بیشتر مواقع تشدید اختلاف بود تا حل آن.

به طور کلی در سالهای اول انقلاب مراتع زیادی تخریب شد که علت آن نبودن برنامه مشخص یا اتخاذ سیاستهای نامناسب در جهت تخریب مراتع بود زیرا از یک سو مرتعداران از ترس واگذاری مراتعشان به دیگران خود مبادرت به شخم و کشت غلات می کردند تا سندی برای تصرف آن باشد و از سوی دیگر مراتع به دیمزارهایی تبدیل می شد که پس از یکی دو سال کشت خاک آن از بین می رفت و در نتیجه رها شده و به دیمزار کم بازده و یا اراضی متروکه تبدیل می شد. مهمترین سیاستگذاری دولت در بخش مرتع طی سالهای پس از ملی شدن مراتع و واگذاری آن از طریق صدور پروانه چرای دام بود اما این سیاست به دلیل موقتی بودن (یکساله) و فقدان نقشه و امکانات ارزیابی و اندازه گیری مراتع نبودن مهارت کافی موجب بروز اشتباهات بزرگی در تعیین تعداد دام مجاز شد که نتیجه آن فشار بر مراتع بود. پس از انقلاب اسلامی نیز اگرچه مسئله موقتی بودن پروانه چرای دام با قرارداد ۱۵ ساله حل شد اما به علت تعریف نامناسب برای مرتعدار که به جای آن از دامدار استفاده می شد و اینکه مرتعدار نباید شغل دیگری داشته باشد موجب شد تا مراتع همچنان مورد تخریب قرار گیرد.

در اوایل برنامه اول، کارشناسان به ضرورت به مشارکت مردم در امر مدیریت مراتع توجه کردند و بار دیگر موضوع تهیه طرحهای مرتعداری و واگذاری ۳۰ ساله آن به مرتعداران ذیحق مطرح و دومین دستورالعمل ممیزی مراتع از طرف وزارت جهادسازندگی ابلاغ شد. در این دستورالعمل نسبت به دستورالعمل قبلی که در اوایل انقلاب ابلاغ شده بود دو نکته اساسی وجود دارد. (۲۳)

۱. در بند ۱۰ فصل اول در تعاریف و در بند ۱۷ فصل دوم، در ضوابط صدور پروانه مرتعداری به جای مالکیت دام از کلمه مدیر مرتع استفاده شد که موجب از بین رفتن بسیاری از درگیرها می شود.

۲. در بند ۲۷ فصل دوم مجاز دانستن انتقال حق بهره برداری به سایر دامداران ذینفع است. طبق این مجوز نخست مرتعدارانی که به هر دلیل قادر به ادامه حرفه خود نباشند می توانند به طور قانونی حقوق خود را انتقال دهند و دوم از وقوع تخلفاتی که از طریق فروش یا اجاره غیرقانونی

مراتع بوقوع می‌پیوندد جلوگیری می‌کند.

برای بررسی پیامدهای قوانین به مرتعداری مربوط مراتع واگذار شده می‌توان به جدول شماره (۱) که وسعت مراتع واگذار شده در سالهای ۱۳۵۳ - ۷۴ را نشان می‌دهد مراجعه کرد. براساس این جدول با اینکه مراتع واگذار شده روند صعودی و نوسانی داشته و در مجموع تا سال ۶۹ روند آن صعودی و کند بوده اما از سال ۷۰ و پس از اصلاحات قانونی مربوط به واگذاری مراتع که پیش از این بیان شد، مراتع واگذار شده روند مناسبتری به خود می‌گیرد. برای بررسی بهتر اگر کل مراتع واگذار شده در سه دوره قبل از انقلاب، سالهای ۱۳۵۳ - ۵۶، سالهای ۱۳۵۷ - ۶۹ و سالهای ۱۳۷۰ - ۷۴ را مورد توجه قرار دهیم خواهیم دید که در دوره ۴ ساله اول ۱۱۲۶ هزار هکتار، در ۱۳ ساله دوم ۴۹۸۵ هزار هکتار و در ۵ ساله سوم ۹۱۶۸ هزار هکتار مرتع واگذار شده است. به عبارت دیگر در سالهای ۱۳۵۷ - ۶۹ با اینکه از نظر زمانی ۲/۵ برابر دوره آخر است اما از نظر وسعت نصف این دوره مرتع واگذار شده و در صورتی که متوسط سالانه مراتع را در هر دوره مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید که دوره سوم یا سالهای ۱۳۷۰ - ۷۴ با متوسط سالانه ۱۸۳۲ هزار هکتار، ۵ برابر دوره دوم و ۶/۵ برابر دوره اول است.

### جنگلها

پس از ملی شدن جنگلها و مراتع در سال ۱۳۴۱، طرحهای جنگلداری که از سال ۱۳۳۷ توسط سازمان جنگلها و مراتع تهیه شده بود با به زیر پوشش قرار دادن قسمتی از جنگلها از طریق واگذاری آن به بخش خصوصی و دولتی در زمینه تولید انبوه چوب و ایجاد صنایع مختلف آن اقداماتی را آغاز کرد که نشاندهنده تغییراتی در سیاستهای دولت بود. ولی چون در روش زندگی مردم جنگل‌نشین تغییرات چندانی روی نداده بود و دامداری سنتی و گسترش کشاورزی خود مصرفی و افزایش جمعیت جنگل‌نشین در کنار سیاست جدید دولت ادامه داشت، در عمل باعث بهره‌برداری بیشتر و تشدید تخریب جنگلها شد. روند تخریب ذکر شده در سال ۱۳۴۹، با واگذاری سطح وسیعی از جنگلهای شمال به مردم غیر جنگل‌نشین ۱۳۵۷ توانست یک میلیون هکتار از جنگلهای کشور را در برگردد که ۶۰۰ هزار هکتار مربوط به جنگلهای شمال

### جدول شماره ۱. وسعت مراتع واگذار شده طی دو دهه اخیر

واحد: هزار هکتار

سال	وسعت طرحهای مرتعداری	سال	وسعت طرحهای مرتعداری
۵۳	۰	۶۴	۰
۵۴	۰	۶۵	۴۲۷
۵۵	۲۱۶	۶۶	۲۹۰
۵۶	۹۱۰	۶۷	۹۴۹
۵۷	۵۹۹	۶۷	۹۴۶
۵۸	۳۴	۶۹	۹۶۷
۵۹	۳۹۴	۷۰	۱۱۳۷
۶۰	۳۰۶	۷۱	۱۸۲۸
۶۱	۲۲۲	۷۲	۲۱۳۰
۶۲	۲۵۱	۷۳	۱۴۹۶
۶۳	۰	۷۴	۲۵۷۷

مأخذ

۱. مرکز آمار ایران، سالنامه سالهای مختلف، مرکز آمار ایران، سالهای مختلف
۲. وزارت جهادسازندگی سازمان جنگلها و مراتع، عملکرد فیزیکی و مالی طرحهای عمرانی سال ۱۳۷۴، طرح و برنامه، ۱۳۷۵.

و ۴۰۰ هزار هکتار آن از جنگلهای غرب و جنوب و خاور ایران بود. (۲۴) در سال ۱۳۵۸ در سیاست واگذاری طرحهای جنگلداری تغییراتی حاصل نشد و آن بخش از طرحهایی که توسط بخش خصوصی اجرا می شد به بخش دولتی واگذار گردید. از سال ۱۳۵۹ سازمان جنگلها و مراتع با مطالعه و بررسی سعی در یافتن راه حلهایی به منظور جلوگیری از تخریب جنگلها داشت و در سال ۱۳۶۴ در تهیه طرح جامع مقدماتی جنگلهای شمال و آماربرداری از دامداران و جنگل نشینان و نیز آبادیها و قرای مجاور جنگل که در ارتباط با جنگل بود به عمل آورد و به اطلاعاتی به شرح زیر دست یافت: (۲۵)

در جمع ۳۳ هزار واحد دامداری با ۴۳۷۱ هزار واحد دامی در حوزه آبخیز جنگلهای شمال کشور وجود دارد. از این تعداد ۳۴/۴ درصد دامداری متحرک، ۳۶/۲ درصد دامداری نیمه متحرک و ۲۸/۴ درصد دامداری ساکن است. همچنین از کل تعداد دامهای موجود ۴۶/۹ درصد گاو، و ۵۳/۱ گوسفند و بز هستند. علاوه بر دامهای مذکور ۱/۴ میلیون واحد دامی نیز دام کتول

(خانگی) در آبادیهای حوزه آبخیز وجود دارد. متوسط تراکم دام در جنگلهای شمال کشور ۲ واحد دامی در هکتار است که در فصول مختلف سال با تمرکز دام در ارتفاعات معینی تراکم به سه برابر می‌رسد. آثار وجود چنین جمعیت دامی در جنگل موجب تخریب جنگلها شده که دلایل آن به شرح زیر است:

الف - حضور چرای دام در عرصه بهره‌برداری، نیاز به قرق دارد زیرا در غیر این صورت حضور دامها موجب به هم فشردگی خاک و عدم رشد بذر ریخته شده در سطح جنگل و در نهایت عدم رشد نهال روئیده شده و از بین رفتن آن می‌شود.

ب - کافی نبودن کفایت علوفه تولیدی سطح جنگل و ناتوانی در خرید علوفه موجب می‌شود که دامدار از سرشاخه درختان استفاده کند و یا در جهت رساندن نور آفتاب به سطح جنگل دست به کت زدن درختان جوان کند که پیامد آن بدفرمی و چنگالی شدن درختان و بذر ندادن آنها می‌شود.

ج - درآمد ناکافی خانوار از طریق دامداری که در نتیجه باعث تخریب جنگل و تبدیل آن به زمین زراعی می‌شود.

د - استفاده از درختان قطور و صنعتی برای ساخت سرپناه دامداری و هیزم برای گرم نگه داشتن آن در وسعت حداقل ۲ هکتار موجب بروز لکه‌های باز در جنگل می‌شود. این مسئله به علت تحرک در اطراقگاهها که ناشی از کوچ است شدت می‌یابد.

سازمان جنگلها و مراتع با توجه به اطلاعات فوق، راه‌حلهای زیر جهت حفاظت از جنگل پیشنهاد کرد:

- ایجاد شرکتهای تعاونی بهره‌برداری جنگل نشینان از جنگل
- جلوگیری از ایجاد و توسعه خانه‌های پراکنده و جابه‌جایی تک خانوارهای موجود در مناطق خارج یا داخل جنگل با تأمین امکانات تولیدی، رفاهی و آموزشی.
- جابه‌جایی دامداران به مناطق جلگه‌ای با اجرای طرح ساماندهی خروج دام از جنگل



## شرکتهای تعاونی جنگلداری

سازمان جنگلها و مراتع به این نتیجه رسید که برای رفع مشکلات مردمی که به نحوی با جنگل در ارتباطند و برای رسیدن به هدفهای جلوگیری از تخریب جنگلها و توسعه و بهبود جنگلهای مخروطی باید با مشارکت دادن و حفظ منافع مردمی که در رابطه با جنگل کار و زندگی می کنند و با دخالت آنها در تصمیمگیری به حفظ و احیا و توسعه بهره برداری مستمر دست یافت. یکی از راههای مشارکت و حضور مردم در تصمیمگیری در عرصه تولید، تعاونیهای بهره برداری است.

با ایجاد تعاونیهای جنگلداری می توان به مدیریت واحد تولیدی با مشارکت خود مردم دست یافت. از آنجایی که منافع مادی اعضا در گرو حفظ و توسعه تعاونی است و جنگل نشینان عضو شرکت تعاونی خواهند شد و در بهره برداری از جنگل سهم می شوند و حفاظت جنگل را نیز به عهده خواهند گرفت، به همین دلیل ایجاد شرکتهای تعاونی جنگلداری مورد توجه قرار گرفت و برای اولین بار در سال ۱۳۶۵ در حوزه امامزاده ابراهیم گیلان اولین تعاونی پایه گذاری و تأسیس و بتدریج به آن اضافه شد به طوری که تا سال ۱۳۷۴، ۱۸ شرکت تعاونی جنگلداری فعال ایجاد شد. (۲۶) هدف از ایجاد این تعاونیها را می توان چنین خلاصه کرد:

کاهش تدریجی سرمایه گذاری دولت، ایجاد اشتغال و کسب درآمد از محل فروش محصولات جنگلی و کاهش درآمدهای حاصل از عواملی که موجب تخریب جنگلها می شود، جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها، بازسازی و احیای جنگلها، مشارکت جنگل نشینان در بهره برداری و بازسازی و حفظ جنگلها، جایگزین کردن فعالیتهای جنگلداری و جنگلکاری و بهره برداری از جنگل به جای توسعه فعالیتهای دامداری در داخل جنگل، ایجاد احساس مالکیت در جنگل توسط جنگل نشینان.

بر اساس آیین نامه تعاونیهای جنگلداری جنگل نشینان و به خصوص دامداران جنگل نشین برای عضویت در تعاونی اولویت دارند، شرکتهای تعاونی با عضویت کارگرانی که حداقل ۴ - ۶ ماه در سال در یک تعاونی کار می کنند تشکیل می شود، افراد غیر عضو نمی توانند بیش از حداقل ۴ - ۶ ماه در سال در یک تعاونی کار کنند، سکونت دائم در محل کار الزامی نیست،

هر شرکت می‌تواند در برگیرنده تعاونیهای کوچکتر باشد که به حرفه معینی مانند نجاری - کوره چيگري - مالداری اشتغال دارند، ۵۰ درصد سهام شرکت در اختیار دولت است و بتدریج به جنگل‌نشینانی که وارد بازار کار می‌شوند، پس از تصویب هیئت مدیره و به قیمت روز فروخته می‌شود. جنگل‌نشینان پس از عضویت در شرکت تعاونی باید شغل دامداری را رها کنند، اعضای شرکت تعاونی متناسب با جدول حقوق و دستمزد و کارمزد تعیین شده از طرف هیئت مدیره در قبال کار انجام شده از شرکت حقوق دریافت می‌دارند. (۲۷)

اما از آنجایی که جمعیت داخل جنگل و حاشیه آن به ۱۶۵ هزار خانوار می‌رسد و اگر سهم هر خانوار را در تعاونی ۵۰ متر مکعب چوب سرپا در نظر بگیریم سالیانه به ۸/۲ میلیون متر مکعب چوب نیاز است که با توجه به ۶۰۰ هزار هکتار جنگل مخروبه و غیر قابل بهره‌برداری، ۱/۳ میلیون هکتار از جنگلها باید رویش سالانه ۳/۹ متر مکعب داشته باشد در حالی که مساحت جنگلهای قابل بهره‌برداری بسیار کمتر از آن است. (۲۸) بنابراین باید در جنگلهایی که به تعاونی واگذار می‌شود به فعالیتهای غیر زراعی از قبیل زنبوداری، پرورش ماهی، مرغداری، مرمت جاده‌های روستایی، بیشتر از فعالیتهای جنگلداری شبیه نهالکاری، جنگلکاری، تهیه چوب و تبدیل و فرآوری آن، توجه شود.

براساس جدول شماره (۲) تا پایان سال ۷۴ در جمع ۱۸ شرکت تعاونی جنگل با ۵۶۵۷ عضو در سطحی معادل ۱۱۰۷۶۰ هکتار از اراضی جنگلی شمال که به طور عمده جنگلهای مخروبه و کم‌بازده می‌باشد ایجاد شده و فعالیت می‌کنند. براساس سالنامه تعاونیها میزان حق‌السهم هر عضو ۱۰۰۰ ریال است که هر عضو باید حداقل ده سهم خریداری کند و هیچ عضوی نمی‌تواند بیش از ۱ سهمیه داشته باشد. در این رابطه جمع حق‌السهم و اریزی اعضا به شرکتهای تعاونی حدود ۴۶۳۵۰ هزار ریال است که در نتیجه متوسط سرمایه‌ای که از طریق اعضای شرکتهای تعاونی جهت هر هکتار طرح جنگلداری سرمایه‌گذاری شده حدود ۸۱۶۶ ریال است. در زمینه اشتغال در حال حاضر حدود ۱۱۰۰ نفر از اعضا و سایرین به صورت قرارداد دائمی و به طور مستمر در شرکتهای تعاونی مشغول به کارند که این رقم بدون احتساب کارگران فصلی است که در ایام جنگلکاری به کار گرفته می‌شوند. با اینکه تأسیس بیشتر تعاونیها از سال ۱۳۷۰ بوده اما ۲۴۷۴ هکتار از جنگلها را جنگلکاری کرده‌اند که این رقم ۲/۲ درصد وسعت جنگلهای تحت پوشش آنها است.

جدول شمار ۲. خلاصه وضعیت شرکتهای تعاونی جنگلداری

ردیف	نام شرکت تعاونی	سال تأسیس	تعداد اعضای	میزان کل سهام (هزارریال)	سطح جنگلهای تحت پوشش (هکتار)	برداشت سالیانه (مترمکب)	میزان جنگلداری (هکتار)	جاده سازی (کیلومتر)
۱	امامزاده ابراهیم	۱۳۶۵	۱۱۳۴	۶۲۷۵	۱۲۷۶۷	۵۱۷۰۸	۲۱۱	۵۰
۲	امیرالمومنین (ع)	۱۳۶۵	۵۹۳	۹۱۲	۵۱۱۲	۱۳۹۸۷	۱۲۳	—
۳	آستارچای	۱۳۷۰	۱۶۲	۱۵۸۰	۸۴۸۸	۲۱۵۷۶	—	—
۴	انجیل بن	۱۳۷۰	۲۰۲	۲۷۰۵	۳۴۳۱	۸۲۵۰	۲۴۳	—
۵	قیصرکوه	۱۳۷۰	۲۵۷	۶۱۹۰	۷۰۷۷	۱۹۶۳۰	—	—
۶	لیل	۱۳۷۰	۲۰۰	۱۴۶۸	۱۴۲۲۲	۳۸۵۰۰	—	—
۷	ملکروند - خرارود	۱۳۷۰	۳۸۷	۱۱۰۷	۸۹۳۰	۲۱۵۸۸	—	—
۸	نرماش	۱۳۷۱	۱۶۶	۱۷۶۰	۲۸۰۰	۱۵۲۴۰	۱۸۴	۱۴
۹	آذررود	۱۳۷۰	۲۵۷	۲۶۰۰	۸۱۲۹	۱۳۴۳۳	۴۰۴	—
۱۰	کولا	۱۳۷۰	۲۶۳	۱۵۷۶	۳۱۵۵	۲۷۶۵۰	—	—
۱۱	نقیبده	۱۳۷۰	۲۱۰	۲۱۴۰	۲۰۰۰	۵۴۸۶	۴۵	۲۸
۱۲	کار سنگرود	۱۳۷۱	۲۱۷	۹۶۰	۶۵۰۰	۹۹۸۰	۳۲	—
۱۳	ولوبی	۱۳۷۲	۵۶۲	۱۰۵۷۵	۱۲۵۸۰	۹۲۶۷	—	—
۱۴	بیشکی	۱۳۷۰	۳۵۰	۴۳۵۲	۶۷۰۱	۱۸۱۲۵	۹۲	۲۱
۱۵	صفارود	۱۳۷۰	۲۲۸	۲۱۵۰	۸۸۶۸	۲۱۹۸۷	—	۱۰
۱۶	مهدی	۱۳۷۰	۱۷۳	—	—	۵۲۴۱	—	—
۱۷	انصار	۱۳۷۰	۱۷۳	—	—	۴۲۰۰	۳۳	۱۳
۱۸	ایشار	۱۳۷۰	۱۴۲	—	—	۳۸۶۳	—	—
	جمع کل	—	۵۶۵۷	۴۶۳۵۰	۱۱۰۷۶۰	۳۰۹۷۱۱	۲۴۷۴	۱۳۶

مأخذ: سازمان جنگلها و مراتع، خلاصه‌ای از وضعیت شرکتهای تعاونی کشاورزی و بهره‌برداری واحبای جنگل

## طرح ساماندهی خروج دام از جنگل

هدف از این طرح حفظ و گسترش گونه‌های مرغوب بومی و ایجاد توده‌های جنگلی با کیفیت بهتر، ترمیم و بازسازی نقاط خالی و مخروبه، تحول شیوه دامداری سنتی به دامداری بسته و مدرن به منظور افزایش تولیدات محصولات دامی و افزایش درآمد دامداران، جلوگیری از تخریب بیشتر جنگلها به منظور حفظ سرمایه ملی بود. شیوه اجرایی طرح بدین صورت است: (۲۹)

دامداران ذی‌صلاح با تعداد دام مورد قبول در حاشیه جنگل و مکانی که مناسب علوفه کاری باشد و قابلیت استفاده از امکانات رفاهی بیشتر و آسانتر داشته باشد با تأیید سازمان محیط زیست مستقر می‌شوند. برای هر ۲۵ واحد دامی یک رأس گاو دورگ و یا اصیل در نظر گرفته شده و به ازای هر رأس گاو دورگ بین ۳/۰ تا ۵/۰ هکتار زمین با توجه به موقعیت حاصلخیزی آن منظور می‌شود. دوره اجرای طرح ساماندهی خروج دام از جنگل و جمع شدن خانوارهای پراکنده جنگل نشین طی سه سال انجام می‌گیرد. در سال اول آماده‌سازی عرصه شامل نشانه‌گذاری، قطع و ریشه‌کنی و پاکسازی عرصه همراه با اقدامات اولیه جهت آب و برق‌رسانی و جاده‌سازی و احداث تأسیسات مسکونی و دامداری. سال دوم تکمیل تأسیسات آب و برق و علوفه کاری و سال سوم واگذاری تأسیسات به افراد مورد برنامه و انتقال قطعی آنان از جنگل.

عملکرد طرح مذکور در برنامه اول و پیشینی آن در برنامه دوم (۳۰)

براساس عملکرد برنامه اول، سازمان جنگلها با هزینه‌ای به مبلغ ۵۶۲۳/۹ میلیون ریال موفق به ساخت ۳۰۷۸۹ متر مربع تأسیسات دامداری شد که به منظور خروج ۶۹۷۰۰ واحد دامی از جنگل و آزادسازی ۶۲۷۰۰ هکتار جنگل بوده است. همچنین در استان مازندران ساختن ۲۳۰۰ متر مربع تأسیسات مسکونی برای جمع شدن ۳۲ خانوار جنگل نشین و آماده‌سازی ۹۴۴ هکتار زمین برای علوفه کاری و زراعت و در استان گیلان با احداث ۸۴۲۱ متر مربع تأسیسات دامداری به منظور خروج ۹۱۰۰ واحد دامی از جنگل و آزادسازی ۹۳۰۰ هکتار جنگل و ساختن ۳۶۷۲ متر مربع تأسیسات مسکونی برای جمع شدن ۶۰ خانوار جنگل نشین و آماده‌سازی

۲۱۲ هکتار جهت کشت علوفه و زراعت شده است.

در برنامه دوم برای ساماندهی خروج دام از جنگل هدفهای کمی زیر در نظر گرفته شده است:

اشتغال دامداران در طرحهای جنگلداری در قبال خروج دام از جنگل برای ۴ درصد کل واحدهای دامی، اجرای طرح تحول سیستم دامداری از طریق واگذاری زمین و انجام خدمات زیربنایی شامل تأمین آب، برق و جاده از طرف دولت برای ۱۷ درصد کل واحدهای دامی، ایجاد فعالیتهای غیر دامداری شامل کشاورزی و صنعتی از طریق واگذاری زمین و احداث جاده مورد نیاز از طرف دولت برای ۵۹ درصد کل واحدهای دامی، خرید ۲۰ درصد کل واحدهای دامی با نرخ ۲۵ درصد قیمت روز.

اگرچه در سال ۷۳ ادامه برنامه اول اجرا شد اما عملکرد سال ۷۴ نشان می‌دهد که ۳۱۴ خانوار از جنگلها خارج شده‌اند و از این طریق ۷۴۰ راس گاو و ۱۰۰۰ رأس گوسفند جمع‌آوری شده‌اند و مساحتی معادل ۷۵۷۴۰ هکتار را آزاد کرده‌اند. همچنین ۱۵۴ خانوار جنگل نشین در مساحتی معادل ۸۷۴۵ هکتار و با زیربنای مسکونی ۹۷۸۸ متر مربع در جنگلها مستقر شده‌اند. بنابراین طرح خروج دام از جنگل تاکنون با خروج ۷۶ هزار واحد دامی موجب آزادسازی ۱۳۸ هزار هکتار از جنگلها شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## آبخیزداری

با تفکیک وظایف و انتقال سازمان جنگلها و مراتع به جهاد، بخش آبخیزداری از این سازمان جدا شد و به صورت معاونت جداگانه‌ای فعالیتهای خود را ادامه داد. این معاونت در سال ۷۳ با اجرای حدود ۱۴۳۰ پروژه، مساحتی قریب به ۱/۶ میلیون هکتار را تحت پوشش قرار داد که از این تعداد ۱۶۰ پروژه یا ۱۱ درصد آن با مشارکت روستاییان اجرا شد و در سال ۷۴ با اجرای ۱۵۴۰ پروژه مساحتی حدود ۰/۷ میلیون هکتار را تحت پوشش قرار داد که ۱۹۰ پروژه آن با ۱۲ درصد با کمک روستاییان اجرا شد.

طرحهای آبخیزداری دارای هدفهای چند منظوره است و آثار آن به طور مستقیم به خود

روستاییان باز می‌گردد زیرا در کاهش خسارات ناشی از سیل، افزایش آب سفره‌های زیرزمینی زراعی و در نتیجه افزایش آب زراعی یا چشمه‌سارها در مراتع اثر دارد. بنابراین روستاییان میلند در این طرحها مشارکت بیشتری داشته باشند. البته این امر با اجرای سیاستهایی از قبیل برگزاری کلاسهای آموزشی در دوره‌های ترویجی به منظور آشنا شدن روستاییان با فعالیتهای آبخیزداری، انتخاب مروج آبخیزداری و اعطای وام و تفویض اختیارات لازم به روستاییان جهت اجرا بوده است.

به کارگیری سیاستهای فوق از یک سو و افزایش اعتبارات بخش آبخیزداری از سوی دیگر موجب شد تا همان گونه که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد عملکرد این بخش در سالهای ۱۳۷۰-۱۳۷۴ به ۱۴۶۶ هزار هکتار یا ۶۱ درصد کل مساحت فعالیتهای آبخیزداری سالهای ۱۳۵۳-۱۳۷۴ یا دوره ۲۲ ساله برسد در حالی که این دوره ۵ سال یا ۲۳ درصد زمان مورد بررسی است. چنین عملکردی موجب شد حجم فعالیتهای آبخیزداری پس از تفکیک وظایف ۱/۸ برابر دوره قبل و ۱۸ برابر دوره قبل از انقلاب شود. به طوری که متوسط عملکرد سالانه در سالهای ۱۳۷۰-۱۳۷۴، ۲۹۳ هزار هکتار بود که با توجه به متوسط عملکرد سالانه دوره‌های قبل که ۶۲ هزار هکتار و ۳۴ هزار هکتار است، ۴/۷ برابر دوره قبل و ۸/۵ برابر دوره قبل از انقلاب است. اگر به نوع فعالیت انجام شده در جدول شماره ۳ توجه کنیم خواهیم دید که در دوره قبل از انقلاب (۱۳۵۳-۱۳۵۶) مهمترین طرح ساختن سدها و دیوارهای سنگی بوده که در جمع طول آن به ۶۸ هزار متر مکعب رسیده است و پس از آن بذرپاشی و بذرکاری با ۷۰ هزار هکتار قرار دارد. البته باید توجه کرد که ساختن سدها و دیوارهای سنگی کار بسیار سنگین و پرهزینه‌تری نسبت به بذرپاشی دارد و به زمان بیشتری نیز نیازمند است.

سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۹ دوره بیشترین فعالیت مربوط به ساختن سدهای خاکی است که در جمع طول آن ۲۹۷۷ هزار متر مکعب است و پس از آن سدها و دیوارهای سنگی با حدود ۵۳۰ هزار متر مکعب قرار دارد. اما در دوره سوم فعالیتهای آبخیزداری از نظر نوع گسترش می‌یابد. البته به ساختن سدها و دیوارهای سنگی توجه بیشتری شده زیرا طول آن به ۸۲۸ هزار متر مکعب می‌رسد. این در حالی است که از شدت گسترش سدهای خاکی کاسته و بر فعالیتهای دیگر

بررسی آثار سیاستگذاری ...

افزوده شده است زیرا سهم بقیه فعالیتها در این دوره به جز بانکت و بذرپاشی و بذرکاری که بین ۴۰-۵۰ درصد کل دوره ۱۳۵۳-۷۴ است بقیه فعالیتها بین ۵۸-۹۶ درصد فعالیتهای دوره ۱۳۵۳-۱۳۷۴ را در بر می گیرد.

از دیگر فعالیتهای آبخیزداری در سالهای ۱۳۷۰-۱۳۷۴ ایجاد تعاونیهای آبخیزداری است

هدف از اجرای طرح تعاونیهای آبخیزداری جلب مشارکت مردم در مدیریت پروژه، حفاظت از پروژه و در نهایت کاهش هزینههای دولت است. تا پایان سال ۱۳۷۴، ۲۴ تعاونی در بخش آبخیزداری ایجاد شده که ۸/۹ هزار هکتار را تحت پوشش قرار داده است. از این تعداد ۶ تعاونی در استان کرمانشاهان با وسعت ۷/۲ هزار هکتار و ۱۸ تعاونی دیگر در استان کرمان با ۱/۷ هزار هکتار مستقر است. (۳۱)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۳. فعالیت‌های انجام شده در زمینه آبیاری

۷۴-۱۳۷۰	۶۹-۱۳۵۷		۵۶-۱۳۵۳		۷۴-۱۳۵۳		واحد	نوع فعالیت
	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد		
۴۰	۸/۴	۵۷	۱۲	۳	۰/۶	۱۰۰	هزار کیلومتر	احداث بانکت
۵۸	۸۲۹	۳۷	۵۳۰	۵	۶۸	۱۰۰	هزار متر مکعب	احداث سدهای دوارهای سنگی
۲۲	۸۲۸	۷۸	۲۹۷۷	۰	۰	۱۰۰	هزار متر مکعب	احداث سدهای خاکی
۷۶	۳۲	۲۴	۱۰	۰	۰	۱۰۰	هزار هکتار	احداث ترانس و سکو بندی
۸۱	۲۸۸	۱۱	۴۰	۸	۲۷	۱۰۰	هزار هکتار	مناطق قرق شده
۴۴	۱۲۰	۳۱	۸۶	۲۵	۷۰	۱۰۰	هزار هکتار	بذر پاشی و بذر کاری
۵۸	۳۰	۳۸	۳۰	۲	۲	۱۰۰	هزار هکتار	بهاکاری و بوته کاری
۹۶	۲۳۵	۴	۱۰	۰	۰	۱۰۰	هزار هکتار	علوفه کاری
۹۵	۱۴۵	۵	۷	۰	۰	۱۰۰	هزار هکتار	اصلاح شیخم و کمت نواری
۸۵	۷۷	۱۵	۱۴	۰	۰	۱۰۰	هزار هکتار	حفاظت اراضی حاشیه رودخانه
۶۱	۱۴۶۶	۲۴	۸۱۰	۵	۱۳۶	۱۰۰	هزار هکتار	جمع کل
۲۹۳		۶۲		۳۴		—	هزار هکتار	متوسط سالانه

مأخذ: معاونت آبیاری  
 \* برای سرجمع عملیات به هکتار با در نظر گرفتن هر ۲۰۰ متر طول بانک و هر ۲ متر مکعب سنگ چین و هر ۱۰ متر مکعب سد خاکی معادل ۱ هکتار محاسبه شده است.



## منابع و مأخذ

۱. کریم جوانشیر، رسول جلالی، هوشنگ سبحانی، سعید شفیعی فر، منابع طبیعی و توسعه پایدار جنگل، سازمان جنگلها و مراتع، ص ۴۶-۴۷
۲. منصور مصداقی، مرتعداری در ایران، بنیاد فرهنگی رضوی، خرداد ۱۳۷۳، ص ۱۵۷
۳. پرویز کردوانی، مراتع و مسایل و راه‌حلهای آن در ایران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۳۶-۳۱۶
۴. منصور مصداقی، مرتعداری در ایران، بنیاد فرهنگی رضوی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۱
۵. گمرک ایران، سالنامه بازرگانی خارجی سا‌ه‌ای مختلف، گمرک ایران
۶. حسن معین‌الدین، سیراجامالی بر مدیریت مراتع کشور، جنگل و مرتع، شماره ۱۷ (بهار ۱۳۷۲)، ص ۳۸-۴۰
۷. همان مأخذ، ص ۲۶
۸. همان مأخذ، ص ۲۷
۹. محمد خسروشاهی، شهاب‌الدین قوامی، هشداری، سازمان جنگلها و مراتع، ۱۳۷۲، ص ۳۲-۳۷-۵۳-۵۵
۱۰. همان مأخذ، ص ۹
۱۱. همان مأخذ، ص ۱۵۸
۱۲. خلاصه مقالات سمینار ملی مراتع و مرتعداری در ایران، سازمان جنگلها و مراتع، دانشگاه صنعتی اصفهان، ص ۹
۱۳. بهمن باباخانلو، روش مشارکت مردم در عملیات اصلاح و احیای مراتع، سازمان جنگلها و مراتع کشور دفتر فنی مرتع، مرداد ۱۳۶۴، ص ۱۷
۱۴. جعفر سلیماسی، مروری بر مرتعداری در ایران، جنگل و مرتع شماره ۲۰ زمستان ۱۳۷۲، ص ۵۴
۱۵. همان مأخذ، ص ۵۵
۱۶. جنگل و جنگلداری، جنگل و مرتع شماره ۸ (تابستان ۱۳۷۰)، ص ۳۶
۱۷. سازمان جنگلها و مراتع، دستورالعمل تهیه و اجرای طرح ساماندهی خروج دام و تمرکز خانوارهای پراکنده، سازمان جنگلها و مراتع، ۱۳۷۳، ص ۳

۱۸. گردهمایی ارزیابی عملکرد شرکتهای تعاونی بهره برداری و احیای جنگل، جنگل و مراتع، شماره ۲۲ (بهار ۱۳۷۳)، ص ۲۱
۱۹. سازمان جنگلها و مراتع، مقدمه ای بر شرکتهای تعاونی بهره برداری و احیای جنگل، سازمان جنگلها و مراتع، ص ۸ و ۹
۲۰. سازمان جنگلها و مراتع، نظری بر گسترش تعاونیها در جنگل، سازمان جنگلها و مراتع، ص ۳
۲۱. سازمان جنگلها و مراتع، ضرورت اجرای طرح ساماندهی خروج دام از جنگل و جمع کردن خانوارهای پراکنده، سازمان جنگلها و مراتع، ص ۳
۲۲. همان مأخذ، ص ۲ و ۵
۲۳. وزارت جهادسازندگی، معاونت آبخیزداری

